

از نظر دولت ما اصل بر برابری حقوق بین زن و مرد می باشد. از نظر حقوقی و مسئولیت و در مورد زندگی کاری دولت تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست. این مسئله برابری برای کلیسا هم تعریف شده است و تنها فرق در زندگی زناشویی می باشد که کلیسا در این مورد دنباله روی کلام خدا و انجیل است.

در زندگی زناشویی زن و مرد در یک جایگاه بخصوصی نسبت به هم قرار می گیرند. (۱، موسوی ۲۸؛ ۲۷؛ ۲؛ ۱۸-۲۵)

خداوند آدم را مانند خود آفرید و حوا را به عنوان همسر و یک کمک برای او قرار داد. از دید خداوند زن همانقدر عزیز است که مرد، و ارزش زن همانند مرد است. زن باید برای مرد به عنوان یک کمک باشد چه در خوشی و چه در تنهایی و غم، کمکی برای شناخت خود و همچنین کمکی برای به انجام رساندن تکالیف دنیوی. این که از زن به عنوان یک یاری دهنده یاد میشود نباید سوءتفاهم پیش بیاید و به او به عنوان یک خدمه زیر دست نگاه کرد بلکه این کمکی که او می کند باید از روی عشق و محبت تمام باشد. کمک زن در زندگی باید مانند خدا که عنوان کرد می خواهد به قوم خود یاری دهد، باشد.

خداوند به آدم و حوا برکت داد و به آنان فرمود: " برای تشکیل خانواده و ادامه نسل، مرد

" بارور و کثیر شوید" و " از این رو یک مرد مادر و پدر خود را رها می کند و به زن خود می پیوندد و این زن و مرد یک جسم می شوند". این طور بود که خداوند در بهشت فرمان ازدواج را برای محبت بین زن و مرد و با هدف بقا نسل بنا نهاد.

ارزشی که خداوند برای پیوند زناشویی قائل است را می توان از این موضوع درک کرد که او عهد میان خود با قومش را همیشه با پیوند ازدواج میان زن و مرد مقایسه کرده است. و عیسی نیز رابطه میان خود و اجتماع را با این پیوند مقایسه کرده است. او مانند داماد و یا در نقش مرد است و اجتماع کلیسا در نقش زن قرار دارد.

بدلیل اینکه آدم فریب حوا را خورد و لب به میوه ممنوعه زد، از این رو آدم به عنوان سرور حوا نامیده شد و حوا می بایست از آدم فرمانبرداری کند. (۱، موسوی ۱۷؛ ۳-۱۶).

این نقش زن به عنوان خدمه مرد بودن تا زمان آمدن عیسی ادامه داشت و با آمدن عیسی این نقش تبدیل به محبت شد بجای مجازات و عیسی به آنها برکت داده و آنها را به عشق پیوند داد. عیسی در مورد رفتار با زنان مثال خوبی برای ما می باشد و بخاطر این رفتار او حتی یهودیان از او کینه داشتند. عیسی در مورد ایمان با یک زن غیر یهودی سخن گفت و آن زن پیرو او شد. در جای دیگر زنان او را در مشك عطراگین کردند و زنان در آخر اولین شاهدان رستاخیز او بودند.

امروزه خداوند زن و مرد را چطور ترغیب می کند تا با ازدواج در کنار هم قرار گیرند؟

اینکه کششی بین دو جنس مخالف قرار دارد تا آنها یکدیگر را دوست بدارند و جذب هم شوند و از هم شناخت پیدا کنند از راه های پنهان خداست و این رابطه باید با نیت ازدواج باشد. این مراسم ازدواج ظاهری در اداره ثبت احوال انجام می گیرد و زوجین مسیحی بعد از در یک مراسم کلیسایی نیز برای برکت این پیوند به عبادت می پردازند.

گناه حتی در پیوند زناشویی و بعد از آن نیز رخ می دهد:

دعوا، فریب از راه عشق، خودخواهی، خیانت. این مسایل حتی می تواند منجر به طلاق شود و اینکه این افراد رو به کسان دیگری بیاورند. اینجا فرمان ۶ خداوند مطرح می شود (۲، موسوی ۱۴؛ ۲۰): " تو نباید پیوند زناشویی را بشکنی" و عیسی فرمودند: " آن چه که خدا به سویی یکدیگر رهنمود کرده را انسان نباید جدا سازد". حتی ازدواج با یک مطلقه نیز همان شکستن این فرمان است. هر کس که طلاق بگیرد، او در برابر خداوند گناهکار است. (متی ۱۹؛ ۱۲-۱).

زندگی در پیوند زناشویی مسیحی

انجیل عیسی مسیح این نقش زیر دست بودن زنان را با نقش محبت و درک و شعور دو طرفه تغییر داده است و مرد نقش کسی را دارد که باید در عشق فداکاری کند (عاشق). یک مرد مسیحی نباید خودخواهانه و با بی توجهی و همچنی به شکل یک زیر دست با همسر خود رفتار کند. و زن نیز دیگر نقش مرد را نه به عنوان ارباب و کسی که از او سوءاستفاده می کند می بیند و از این باب رنج نمی برد. و حال نباید کار برعکس شود و زن تلاش کند تا بر مرد برتری داشته باشد.

پولوس رسول (غلاطیان ۲؛ ۲۸) می نویسد: در ایمان به عیسی مسیح در بین انسانها برای خداوند هیچ تفاوتی نیست در جنسیت آنها و فرقی بین زن و مرد نیست. همه ی شما یکی هستید در عیسی مسیح. با توجه به این نکته که خداوند انسان را به صورت

زن و مرد آفرید و خدا حوا را به عنوان کمک عاطفی و از روی ضرورت برای آدم قرار داد، پولوس می نویسد: (۱، قرن نهم تا دهم) (۱۱:۱۱) لیکن زن از مرد جدا نیست و مرد هم جدا از زن نیست در خداوند. زیرا چنانکه زن از مرد است، همچنین مرد نیز به وسیله زن (متولد میشود)، لیکن همه چیز از خدا. و این نیز بیاناتی در مورد رابطه زناشویی طبق آیین مسیحی می باشد: (کلوسیان ۳:۱۵-۱۲)

پس مانند برگزیدگان مقدس و محبوب خدا، احتشای رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلم را بپوشید؛ و متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ادعایی داشته باشید؛ چنانکه مسیح شما را آمرزید، شما نیز چنین کنید. و بر این همه محبت را که کمر بند کمال است بپوشید. و سلامتی خدا در دلهای شما مسلط باشد که به آن هم در یک بدن خوانده شده‌اید و شاکر باشید.

در مورد ازدواج پولوس به روشنی نوشته است: (افسیان ۲۵:۵-۲۲/۳۳، ۳۱، ۲۹، ۲۸)

ای زنان، شوهران خود را اطاعت کنید چنانکه خداوند را. زیرا که شوهر سر زن است، چنانکه مسیح نیز سر کلیسا و او نجات‌دهنده بدن است. لیکن همچنانکه کلیسا مطیع مسیح است، همچنین زنان نیز شوهران خود را در هر امری باشند. ای شوهران، زنان خود را محبت نمایید، چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشتن را برای آن داد. به همینطور، باید مردان زنان خویش را مثل بدن خود محبت نمایند زیرا هر که زوجه خود را محبت نماید، خویشتن را محبت می‌نماید. زیرا هیچکس هرگز جسم خود را دشمن نداشته است بلکه آن را تربیت و نوازش می‌کند، چنانکه خداوند نیز کلیسا را. از اینجاست که مرد، پدر و مادر را رها کرده، با زوجه خویش خواهد پیوست و آن دو یکتا خواهند بود. خلاصه هر یکی از شما نیز زن خود را مثل نفس خود محبت بنماید و زن شوهر خود را باید احترام نمود.

خداوند ازدواج را قرار داد تا زن و مرد از نظر مادی و معنوی متحد شوند و با هم تا زمان مرگ زندگی مشترک داشته باشند. با فرمان ششم خداوند زنا و طلاق را ممنوع کرده است.

از زندگی مادی مشترک دو تعبیر می‌شود. اولی اتحاد در مسایل ظاهری و روزمره زندگی (مسایل خانوادگی، پولی، طراحی و برنامه ریزی برای زندگی) و مسایل جنسی. مسایل جنسی در پیوند زناشویی به عنوان هدیه ای میباید تا زوجین از آن لذت ببرند و همچنین میبایست خواست خدا را نیز به انجام برسانند. (۱، موسوی ۲۸:۱):

"بارور شوید و خود را گسترش دهید"

برای يك زوج مسیحی این سؤال اصلاً مطرح نیست که آیا آنها بچه می‌خواهند داشته باشند یا خیر و هدف از ازدواج مسیحی بچه دار شدن است. مسئله در این ازدواج این است چه تعداد بچه این زوج می‌توانند با توجه به مسئله توانایی مالی و همچنین سلامتی جسمی، داشته باشند. فرد نباید درگیر خودخواهی‌های فردی باشد مثلاً درگیر این باشد که می‌خواهد پول بیشتری داشته باشد و بنابراین بچه دار نمی‌شود و یا اینکه می‌خواهد آزادی بیشتری داشته باشد بنابراین بچه نمی‌خواهد و یا بچه کمتری می‌خواهد.

از لحاظ جنسی مرد و زن موظف به تأمین نیاز یکدیگرند. پولوس نوشته (۱، قرن نهم تا دهم) (۳-۵:۷): "و شوهر حق زن را ادا نماید و همچنین زن حق شوهر را. زن بر بدن خود مختار نیست بلکه شوهرش، و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود ندارد بلکه زنش، از یکدیگر جدایی مگزینید مگر مدتی به رضای طرفین تا برای روزه و عبادت فارغ باشید؛ و باز با هم پیوندید..."

ایمان مسیحی به معنی ریاضت و سرکوب میل جنسی نیست. این میل به خواست خداوند و به صورت طبیعی در انسانها قرار گرفته است. (۱، موسوی ۱۸، ۲۴).

توانایی مجرد و عدم ازدواج تنها به تعداد کمی از انسانها از طرف خداوند داده شده است. (متی ۱۹:۱۲ / ۱، قرن نهم تا دهم) (۷:۷)

رهبانیت تنها (منشأ مصر علیا از ۳۲۵م) و مجرد ماندن متوالی (ممنوعیت ازدواج) برای کشیش (شورای کلیسای پاپا در ۱۰۲۲م) را در نظر گرفتند و میل جنسی را عملی شیطانی دانستند. ولی مارتین لوتر و کلیسای اصلاحات این قوانین را دست ساخته انسان دانسته و آنها را امری خدایی ندانستند و این امور را کاملاً عقب مانده خواندند. و این کارها که باعث سرکوب میل جنسی می‌شد سبب بی اخلاقی و فساد شد. پولوس (۱، قرن نهم تا دهم) (۲:۷): لکن به سبب جلوگیری از زنا، هر مرد با زنی ازدواج کند و هر زن با مردی ازدواج کند.

منظور از زندگی مشترك معنوي این است که زوجین احساسات و عواطف و تفکرات خود را با یکدیگر به اشتراك بگذارند و یکدیگر را به کمال برسانند و سعی در کمک هم داشته باشند و زن از روی محبت و فروتنی تصمیم نهائی را به عهده مرد می گذارد. این بدان معنا نیز می باشد که بجز در روابط زناشویی، زوجین رابطه جنسی دیگری نداشته باشند و اگر خیانتی رخ دهد این پیوند زناشویی باطل است. (۲، موسوی ۱۵۴۲)، به کلام خداوند سکس جزئی از ازدواج است.

زندگی روحانی مشترك به این معناست که زن و مرد با اجتماع عیسی مسیح در اتحاد بمانند و از طریق کلام خدا در ایمان رشد یابند و با هم دعا کنند تا آنها با این آگاهی زندگی کنند که در پایان هر دو به جلال و شکوه ابدی خداوند راه می یابند.

مرد و زن در مراسم عبادت (۱، قرننثیان ۱۶۴۱-۱ / ۱، تیموتیان ۲-۱۲-۸)

برای نشان فرمانبرداری و احترام زنان در زمان رسولان زنان روسری به سر داشتند و تا ۵۰ سال پیش با یک کلاه در مراسم حاضر می شدند. مردان نیز به نشان احترام با کلاه و یا دستمال سر در مراسم کلیسا ظاهر نمی شوند. زنان میز نباید طوری لباس بپوشند تا مردان از مراسم عبادت خداوند منحرف شوند. مراسم عبادت و سکس کاملاً از هم جدا هستند. همچنین آنان نباید جواهرات و زیور آلاتی داشته باشند تا جلب توجه کنند. یعنی هیچ کس نباید با به رخ کشیدن زنانگی خود و یا پول خود جلب توجه کند.

یتلف اُوده